

## همانندی دیوان سالاری سلجوقیان با دیوان سالاری ساسانیان و اهمیت نقش وزیر در میان دو دولت

دکتر امیر اکبری<sup>\*۱</sup>

### چکیده

سلجوقیان موفق شدند حکومتی قوی و امپراتوری‌ای گسترده بنا نهند که در تاریخ ایران بعد از اسلام سابقه نداشت. حکومت‌های پیش از سلجوقیان چندان قدرت گسترده‌ای نداشتند و تشکیلات نسبتاً ضعیف‌تری در ساختار دولتی و حکومتی خود برقرار ساخته بودند. سلجوقیان برای اداره‌ی قلمرو وسیع خود که با حدود قلمرو دولت ساسانی برابری می‌کرد، نیازمند وجود دیوان سالاری قوی و منسجمی بودند. گسترش نهاد وزارت و وجود دیوان‌های مختلف به همراه نقشی که دیوان سالاران ایرانی در آن ایفا کردند، بر اهمیت حکومت سلجوقی افزوده بود. تأثیرات فکری و سیاسی خواجه نظام‌الملک از اندیشه‌های ایران باستان، بدون تردید برقراری نظام دیوان سالاری قوی‌تر از قبل و متأثر از عصر ساسانی را در آن زمان باعث گردیده بود. بررسی دیوان وزارت در عصر ساسانی و مقایسه‌ی آن با تشکیلات دیوان سالاری عصر سلجوقی به همراه آنچه ماوردی و غزالی درباره‌ی اهمیت نقش وزیر در آثار خود آورده‌اند، روشن خواهد کرد که چگونه همانندی میان نظام دیوان سالاری سلجوقیان با نظام دیوان سالاری ساسانیان برقرار بوده است. بررسی نقش و میزان تأثیرپذیری سلجوقیان از تشکیلات دیوانی پیش از خود و بالاخص وجوه تشابه اهمیت وزیر در عصر سلجوقیان با دوره‌ی ساسانی، علاقه‌مندی سلجوقیان را به ایجاد امپراتوری بزرگی همسان با عصر ساسانی، مشخص می‌کند.

**واژگان کلیدی:** سلجوقیان، ساسانیان، دیوان وزارت، دیوان سالاری، خواجه نظام‌الملک، غزالی

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

\* مسئول مکاتبه: (Amirakbari84@yahoo.com)

تاریخ دریافت: زمستان ۱۳۸۹ تاریخ پذیرش: بهار ۱۳۹۰

## مقدمه

امپراتوری سلجوقیان دارای دیوان‌سالاری عریض و طویلی بود که در واقع بر تمام امور کشوری نظارت داشت و وزیر در رأس آن بود. نقش و اهمیت وزرای ایرانی در تثبیت قدرت سلجوقی سبب گردید تا وزرا پس از شاه از اهمیت و اعتبار بسیار زیادی برخوردار گردند. اهمیت و جایگاه وزارت در زمان خواجه نظام‌الملک به اوج خود رسید. وی تمام تلاش خود را برای اداره‌ی امپراتوری وسیع سلجوقی از شرق تا غرب به کار می‌گرفت و بیش‌تر در صدد بود تا روحیه‌ی سرکش نظامیان ترک را در قالب تشکیلات اداری و دیوانی زیر نظارت درآورد. گسترش قدرت و تثبیت حکومت سلجوقیان بیش از هر چیز متأثر از وجود نظام دیوان‌سالاری قوی آن بود. این دیوان‌سالاری در دست عنصر ایرانی بود که از سنت‌های دیوانی اطلاع کامل داشت و راهنمای این نهاد گسترده در خلال قرون بود (کلوزنر، ۱۳۶۳: ۱۰).

در بررسی تأثیراتی که دیوان‌سالاری ساسانی بر دیوان‌سالاری سلجوقی گذاشته است، باید دوره‌های گذشته را مانند پلی به یکدیگر متصل کرد تا به سلجوقیان رسید. از تشکیلات اداری خلافت عباسی گرفته تا ساختارهای حکومت غزنویان، همه‌ی حکومت‌ها به نوعی از میراث کهن ایران استفاده کرده و آن تجارب را به عصر سلجوقیان منتقل نموده‌اند. از این رو، در مقاله حاضر بیش‌تر از موارد تشابه و همانندی در نظام دیوان‌سالاری سلجوقی با دیوان‌سالاری عصر ساسانی سخن به میان خواهد آمد و به این سؤال اصلی اشاره خواهد شد که مهم‌ترین دلایل و ضرورت‌های توجه سلاجقه به نظام دیوان‌سالاری همسان با عهد ساسانی چه بوده است. در این میان وجوه تشابه در وظایف و عمل‌کرد مقام وزیر نیز در دولت ساسانی و حکومت سلجوقی به چه نحو بوده است. در راستای بررسی ابعاد مختلف این سؤال فرضیاتی قابل طرح است که به استناد منابع و تحلیل وقایع دوره‌ی مورد بحث، می‌توان به تحلیل و بررسی این نظریات پرداخت و بر این نکته اذعان داشت که سلسله‌ی سلجوقی نوعی بازگشت به عصر ساسانی بود؛ آن هم به این دلیل که سلجوقیان هنر و فرهنگ ساسانی را مورد توجه قرار دادند. سلجوقیان در بسیاری از قالب‌های سیاسی و اداری خویش تلاش نمودند از عظمت دوره ساسانی الگوهای مورد نظر خود را اقتباس نمایند.

خواجه نظام الملک در کتاب خود *سیرالملوک*، بسیاری از آموزه‌های سیاسی عصر ساسانی را برای تشکیلات حکومت عصر خویش مثال می‌زند و در این راستا با توجه به آگاهی از عظمت دوره‌ی ساسانی، تلاش می‌کند همان تمرکز اداری و سیاسی پیشین را در حکومت ترکان سلجوقی عملی سازد. بررسی موقعیت دیوان سالاران در دوره‌ی ساسانی، با توجه به آن الگوهایی که سلجوقیان در دیوان سالاری خود اعمال کردند، همانندی و وجوه تشابه تشکیلات دیوان سالاری این دو دوره را بیش‌تر نمایان خواهد ساخت.

### دیوان وزارت در عصر ساسانی

در رأس امور اداری و دیوان سالاری ساسانی، بنا بر گزارش متون پهلوی، وزرگ فرمذار قرار داشت (جاماسب، ۱۳۷۱: ۱۸۷۱). او عملاً زمام قدرت را در دست داشت و آن را تحت نظارت پادشاه به کار می‌برد؛ در غیبت پادشاه جانشین او می‌گردید و به امور سیاسی می‌پرداخت؛ قراردادهای و معاهدات را امضا می‌کرد و گاهی نیز در جنگ‌ها فرمان‌دهی عالی قشون را بر عهده می‌گرفت (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۷۳).

وزیر اعظم چون مشاور خاص شاهنشاه بود، همه‌ی شئون کشور را در دست داشت. وی در امور مختلف کشوری و لشکری حق مداخله داشت حتی قراردادهای و معاهدات را امضا می‌کرد.

در برخی از جنگ‌ها وزیر فرمان‌دهی عالی سپاه را بر عهده می‌گرفت و گاهی اوقات موظف به اجرای مذاکرات سیاسی با دولت‌های دیگر بود. وی می‌بایست دارای دانش وافر، خرد کامل و رفتاری بی‌نقص می‌بود.

اولین کسی که در تاریخ ساسانی به این مقام رسید، ابرسام در زمان اردشیر اول بود (طبری، ۱۳۵۲: ۵۸۲ / ۲). از وزرای دیگر می‌توان به خسرو یزدگرد در عهد یزدگرد اول و مهر نرسی، که در زمان سه پادشاه یعنی یزدگرد اول، بهرام پنجم و یزدگرد دوم این مقام را دارا بود، نام برد (همان، ۶۲۶).

بزرگمهر در زمان خسرو اول، که از حکیمان و خردمندان ایرانی بود، به وزارت برگزیده شد. او مهم‌ترین وزیر عهد ساسانی بود (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). تشکیلات نهاد وزارت که

بعدها در دوره‌ی اسلامی توسعه یافت و در عهد سلجوقیان نیز پا بر جا بود، در واقع از منصب وزرگ فرمذار دوره‌ی ساسانی تأثیر پذیرفته است.

از وظایف وزیر در دوره‌ی ساسانی اداره‌ی کشور در تحت نظارت شاه بود. کریستن‌سن درباره‌ی حدود اختیارات وی می‌نویسد: «وی اکثر امور را به رأی خود انجام می‌داد، و از این گذشته، هنگامی که پادشاه در سفر یا جنگ بود، وزیر اعظم نایب‌السلطنه هم محسوب می‌شد. مذاکرات سیاسی تکلیف او بود؛ حتی می‌توانست عندالزوم فرمان‌دهی هم داشته باشد» (کریستن‌سن، ۱۳۸۴: ۱۷۲). وی همچنین «مسئول متصرفه‌های شخصی شاه بود و با افزودن متصرفه‌های شاهی، فرمذار ریاست کارهای اقتصادی شاهنشاهی را در دست می‌گرفت» (نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

تأثیرات تشکیلات عهد ساسانیان را می‌توان در عصر عباسی و دوره‌های بعد از آن نیز یافت. با مطالعه‌ی حدود و اختیارات و وظایف وزرای عباسی می‌توان برخی از وظایف وزیران دوره‌ی ساسانی را نیز حدس زد (هوار، ۱۳۷۹: ۱۶۵). قسمت‌هایی از تشکیلات دیوان‌سالاری دولت‌های اسلامی، مانند نهاد وزارت، تقلید کاملی از ساسانیان بود. وضعی که نظامی عروسی در قرن ششم هجری از دبیرخانه‌ی عهد خود ارائه می‌کند، به طور کلی، با تکلیف و وظایف دبیران زمان ساسانیان مطابقت دارد (کریستن‌سن، همان: ۱۹۷). وظیفه‌ی تهیه‌ی اسناد نیز برعهده‌ی دبیران بود. آن‌ها «فرمان سلطنتی را انشاء و ثبت می‌کردند و جمع هزینه‌ها را مرتب می‌نمودند و محاسبات دولت را اداره می‌کردند. در مکاتبه با دشمنان و معارضان پادشاه بایستی به مقتضای مقام، گاهی عادلانه و مسالمت‌آمیز چیز بنویسند و زمانی به تهدید و تخویف پردازند» (همان، ۱۹۸). یکی دیگر از مأموران تحت نظر وزیر اعظم، «آمار کار» بود که امور مالی کشور و ایالات را برعهده داشت. وزرگ فرمذار در امور نظامی نیز دخالت می‌کرد.

غزالی در *نصیحة الملوک* روایتی آورده است که گویا نشانه‌ای از همان تأثیر مقام وزارت عصر ساسانی بر افکار و اندیشه‌های زمان وی می‌باشد. او می‌نویسد: «ترتیب وزیر آن بود که تا تواند حرب را به نامه و تدبیر کند و اگر به تدبیر و حیلت کار نیکو نشود، به عطا و صلّت بکوشد و اگر لشکر منهزم شود، گناهمان عفو کند و به کشتن ایشان نشتابد... و اگر

کسی از سپاه پادشاهان اسیر و گرفتار شود، او را بازخرد تا دیگران را امید افتد و دل ایشان قوی شود» (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۸۲).

هرچند مقام و اختیارات وزیر در اواخر عصر ساسانیان رو به افول گذاشت، «با این همه، باید دانست که مقام وزرگ فرمذار به عکس تصور بارتولد هرگز از میان نرفت و تا آخر دوره‌ی ساسانی باقی بود» (کریستن سن، همان: ۶۸۳).

### جایگاه و موقعیت دیوان سالاری سلجوقیان

عباسیان دستگاه حکومتی و دیوانی نسبتاً بزرگی به وجود آوردند، که در حقیقت اقتباس از دستگاه اداری ساسانی بود و اغلب کسانی که در آن کار می‌کردند ایرانی بودند (انوری، ۱۳۷۳: ۶).

در دوره‌ی حکومت‌های پیش از سلجوقیان هریک دارای تشکیلات اداری خاص بودند؛ اما در زمان سلجوقیان این تشکیلات معنای جدیدی پیدا کرد.

نهادهای عمده‌ی حکومت سلجوقی به دیوان سالاری‌ای مربوط می‌گردید که بیش‌تر اعضای آن ایرانی بودند؛ سلجوقیان که حرکتی قبیله‌ای داشتند، تبدیل به حکومت بزرگی شدند که این مسئله به تشکیلات دولتی مربوط می‌شد (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۴۶۱). در دوره‌ی سلجوقی نهادهای کهن معنای تازه یافتند (بوپل، ۱۳۶۶: ۲۶۹).

سلجوقیان به لحاظ نظامی وابسته به عناصر ترک و از لحاظ اداری و سیاسی وابسته به دیوان سالاران ایرانی بودند (لمبتن، ۱۳۸۵: ۲۸). از نظر اجتماعی تنها تفاوت بین تاریخ قبل و بعد از اسلام ایران، پذیرش دین جدید اسلام بود؛ اما پذیرش این دین ساختار اجتماعی را کلاً دگرگون نکرد. حکومت سلجوقی، با تأیید و تکرار برخی از شاخص‌های امپراتوری ساسانی تمدنی جدید و خاص اسلامی به وجود آورد (همان: ۷۹۸).

نظام اداری حکومت سلجوقی زاییده‌ی نظام اداری دولت ساسانی بود که نسل به نسل از طریق حکومت‌ها به آن‌ها رسید. ولی، آن‌ها توانستند دگرگونی بزرگی در آن ایجاد نمایند (صادقی سمرجانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

در عهد سلجوقیان نیز در رأس دیوان وزارت وزیر یا خواجه‌ی بزرگ، که بعد از سلطان بزرگ‌ترین مقام کشوری بود، قرار داشت و این عالی‌ترین مقام دولتی بود (اقبال، ۱۳۳۸: ۲۲).

وظایف عمومی وزیر در عهد سلجوقی نظارت کلی بر جریان امور اداری و توجه به افزایش تولیدات کشاورزی و رفاه حال مردم به منظور ارتقای عایدات بود. از وزیر انتظار می‌رفت که امور مالی دولت را در آرامش کامل به پیش برد و اداره نماید و مقداری از مالیات‌ها را برای مواقع ضروری ذخیره کند. وزرا فرمان انتصاب خود را از دست سلاطین می‌گرفتند (لمبتن، همان: ۳۸). به طور کلی، وزیر سلجوقیان بر دیوان‌های دیگر نظارت داشت و اغلب اوقات در دیوان مظالم حضور می‌یافت (همان: ۳۸). از این بررسی‌ها می‌توان دریافت که مقام وزارت در عهد سلجوقی کاملاً با مقام وزارت در عهد ساسانی همخوانی داشته و به نوعی تقلیدی از آن بوده است. همچنین، قدرت وزیر در هر دو دوره تقریباً برابر بوده و بعد از شاه شخص دوم حکومت به حساب می‌آمده است.

### **بررسی نقش دیوان‌های عصر سلجوقی و همانندی آن‌ها با تشکیلات دیوانی عصر ساسانی**

#### **الف. دیوان ایران دبیر بد (طغرا یا رسائل)**

یکی از دیوان‌های بزرگ دوره‌ی ساسانی دیوان ایران دبیر بد بود و تحت نظر شخصی به نام ایران دبیر بد قرار داشت. نامه‌هایی که دبیران می‌نوشتند، به نظر دبیر بد می‌رسید و او مطالب را کم و زیاد می‌کرد و سپس نامه را پاک‌نویس می‌نمود تا برای مهر کردن آماده شود. دبیر شاهی نیز فرمان‌های پادشاه را می‌نوشت و آن را وارد دفتر روزانه می‌کرد و با مهر شاهی مهر می‌زد و در بایگانی نگاه می‌داشت و نسخه‌ای از فرمان پادشاه را برای مأمور اجرا می‌فرستاد (هوار، همان: ۱۵۴).

دبیران موظف بودند در اسناد رسمی و نامه‌های خصوصی، آراستگی و صورت ظاهر را مهم بشمرند و مطالب را به صورت مصنوع و به سبک مقرر تحریر نمایند؛ چنان‌که نام فرستنده و گیرنده‌ی نامه‌ها، در آغاز نامه یاد می‌شد. موقعیت، مناصب و جایگاه طبقاتی افراد نیز در نامه‌ها باید رعایت می‌شد. اگر نامه‌ای از بالادستی به زیردستی نوشته می‌شد، فرستنده نخست از نام خود یاد می‌کرد، و پس از آن نام گیرنده را می‌نوشت؛ اما اگر فرستنده پایین‌تر از مخاطب می‌بود، نخست باید نام مخاطب، سپس نام خود را می‌نوشت (شوشتری، ۸۵: ۱۳۴۲). در نامه‌های دبیران، نقل‌قول بزرگان و نصایح اخلاقی و پندهای دینی و اشعار و لطیفه و امثال آن نیز وارد می‌شد؛ چنان‌که نامه‌ها و مراسلات آن‌ها مجموعه‌ی بسیار ظریفی

تشکیل می‌داد (کریستن‌سن، همان: ۱۵۳). در بعضی از نامه‌ها و فرامین، پادشاهان خود پندهایی به نامه می‌افزودند. انوشیروان به دبیر خود می‌فرمود، در فرمانی که برای فرمان‌داری شخصی می‌نویسد، جا برای چهار سطر بازگذارد، تا خود وی در آن جا با دست خویش پندی برایش بنویسد (شوشتری، همان: ۲۱۵).

از روی گزارشی که نظامی عروضی در قرن ششم هجری از دبیرخانه‌ی عهد خود و کیفیت دبیری کامل گزارش می‌دهد، می‌توان به تکالیف و وظایف دبیران عهد ساسانی پی‌برد. وی در اهمیت دبیری آورده است:

«دبیری صنعتی است مشتمل بر قیاسات خطابی و بلاغی منتفع در مخاطباتی که در میان است بر سبیل محاورت و مشاورت و مخاصمت در مدح و ذم و حیل و استعطاف و اغراء و بزرگ گردانیدن اعمال و خرد گردانیدن اشغال و ساختن وجوه عذر و عتاب و احکام و قائق و اذکار سوابق و ظاهر گردانیدن ترتیب و نظام سخن در هر واقعه تا بر وجه اولی و آخری ادا گردد؛ پس دبیر باید کریم‌الاصل، شریف‌العرض، دقیق‌النظر، عمیق‌الفکر، ناقب‌الرای باشد و از ادب و ثمرات آن قسم اکبر و حظ او فر نصیب او رسیده باشد، و از قیاسات منطقی بعید و بیگانه نباشد، مراتب ابناء زمانه شناسد و مقادیر اهل روزگار داند و به حطام دنیاوی و مزخرفات آن مشغول نباشد و به تحسین و تقبیح اصحاب اغراض و ارباب اغماض التفات نکند... و در سیاق سخن آن طریق گیرد که الفاظ متابع معانی آید و سخن کوتاه گردد» (نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲۰).

با توجه به تشکیلات منسجم دیوان سالاری ساسانی، بعد از طی شدن سلسله مراتب دیوانی، برای نوشتن فرمان شاهی، در بیش‌تر اوقات مهر و امضای نهایی را شاه انجام می‌داد، تا فرمان جنبه‌ی قانونی و اعتبار خود را به دست آورد. مسعودی می‌نویسد: انوشیروان چهار انگشتر داشت که احتمالاً هر یک از آنها برای تأیید وظایف هر دیوان به کار می‌رفت، چنان‌که «یک انگشتر خاص مالیات بود که نگین عقیق داشت و نقش آن «عدالت» بود، و انگشتری خاص املاک که نگین فیروزه داشت و نقش آن «آبادی» بود، و انگشتری خاص مخارج بود که نگین یاقوت سرمه‌ای داشت و نقش آن «تأمل» بود، و انگشتری خاص برید بود که نگین یاقوت سرخ داشت» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۲).

خسرو پرویز نیز، نُه انگشتر داشت که در امور ملک از آن‌ها استفاده می‌کرد، و از هر یک برای مهر کارهای دیوانی استفاده می‌شد.

دیوان ایران دبیر بد در عهد سلجوقی با نام دیوان طغرا یا رسائل شناخته می‌شد و عبارت از دیوانی بود که مکاتبات دولتی در آن جا صورت می‌گرفته است. طغرا، کلمه‌ای ترکی است که ظاهراً در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی در میان اهل دیوان مورد استفاده قرار می‌گرفته و غرض از آن خطی قوسی شکل بوده است که در صدر فرمان‌ها و منشورها ما بین علامت و نشانه‌ی خاص سلطان و بسم الله به وضعی خاص می‌کشیدند، و کسی را که مأمور کشیدن این خط قوسی بوده، به عربی طغرایبی و به فارسی طغرا کش می‌خوانده‌اند (اقبال، همان: ۲۹-۳۰). اهمیت منصب طغرایبی به گونه‌ای بود که در باب واگذاری آن در عصر سلجوقیان آمده است:

«واجب نمود که منصب طغرایبی که لایق حال و مطابق کمال او بوده بدو مفوض گردانیدن تا به استظهار کامل و وثوق و فراغ این اشتغال را ملابس گردد و به مزید اعتنا و قبول رعایت مستوثق شود و شرایط و مراسم آن به‌واجبی محفوظ دارد و سبیل صدور و اکابر و امرا و رؤسا و اعیان و مشاهیر و کافه‌ی حشم و خدم و طبقات مردم آن است که وی را طغرایبی و گماشته و برگزیده‌ی ما شناسند و عنایت در حق او شامل دانند و احتشام و توقیر و اکرام لازم شمرند و بدین جمله روند و اعتماد کنند» (عوفی، ۱۳۶۲: ۷۰۵).

انواع مکاتباتی که در این دیوان صورت می‌گرفته است عبارت بودند از:

۱. مکاتبات سلاطین که به یکدیگر می‌نوشتند.
۲. مکاتبات امرا و وزراء و خوانین و اولاد ایشان و سادات و مشایخ و مریدان و قاضی‌القضاة و نایبان آن‌ها.
۳. مکاتبات اشراف الناس از علماء و حکما و مدرسان و مفتیان و مفسران و محدثان و معیدان و غیره.
۴. مکاتبات مشترک میان سلاطین و امرا و وزراء و خواتین و خدم و ارکان دولت و ملوک ولایات و سادات و مشایخ و ... (انوری، همان: ۱۷۲).

برخی اصطلاحاتی که در دیوان طغرا به کار می‌رفته است عبارت بودند از:



املاء (اخبار مهم که به وسیله اشخاص و به طور شفاهی به دیوان می‌رسید، توسط یکی از دبیران نوشته می‌شد). بیاض (همان پاک نویسی کردن است).  
توقیع (امروزه امضاء نامیده می‌شود و توقیع کردن به معنی صحه گذاشتن پادشاه یا حاکم بر یک نامه با نوشتن اسم خود یا با زدن مهر خود است) (همان: ۱۷۳-۱۷۴).  
دستور (دفتری است که رونوشت فرمان‌ها و احکام سلطان در آن، از روی اصل فرمان و یادداشت گردآوری شده است) (خوارزمی، ۱۳۴۷: ۶۰).

### (ب) دیوان برید

یکی دیگر از دیوان‌های دوره ساسانی دیوان برید بود که گروهی از دبیران در آن مشغول کار بودند. این دیوان وظیفه‌ی نگه‌داری راه‌ها و جمع‌آوری اخبار از سراسر کشور و ابلاغ آن به شاه را بر عهده داشته است. با اصلاحات خسرو پرویز یک کاردار برید زیر نظر اسپهبد در مناطق چهارگانه مشغول خدمت بود. سازمان برید در دوره ساسانی شبیه تشکیلات چاپار در عصر هخامنشی بوده است (شوشتری، همان: ۴۶).

در دوره سلجوقی نیز دیوان برید دستگاهی بود که وظیفه‌اش رسانیدن اخبار و نامه‌های دولتی محسوب می‌شد. ارسال اخبار علنی رسمی و یا اخبار مخفی، و نیز جاسوسی کردن، جزو وظایف متصدیان این دیوان بوده است. متصدی این دیوان صاحب دیوان برید نام داشت. خواجه نظام الملک در این باره می‌گوید:

«و به همه روزگار پادشاهان در جاهلیت و اسلام صاحب برید داشته‌اند تا آنچه رفته است از خیر و شر از آن با خبر بوده‌اند» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۵۵: ۷۹).

وی، همچنین می‌نویسد: «کسی که بروی اعتماد تمام است او را اشراف فرمایند تا آنچه به درگاه رود او می‌داند و به وقتی که خواهند و حاجت افتد می‌نماید...» (همان: ۷۸).

اشراف درگاه، منظور از آن ظاهراً ریاست شغل اشراف در دربار بوده است. در *قابوس‌نامه* نیز به اصطلاح «مشرف درگاه» برمی‌خوریم که مراد از آن مشرفی است که از طرف دربار فرستاده شده است (عنصرالمعالی، ۱۳۳۹: ۲۳۷).

خواجه نظام الملک گفته است: «واجب است بر پادشاه از احوال رعیت و دور و نزدیک خویش پرسیدن و اندک و بسیار آنچه رود بدانستن؛ اگر نه چنین کند، عیب باشد و بر غفلت

و خوارکاری حمل کنند و گویند: فساد و دراز دستی که در مملکت می‌رود یا پادشاه می‌داند یا نمی‌داند...» (همان: ۳۲).

در دوره‌ی سلجوقی، دیوان برید برگرفته از دیوان برید عهد ساسانی و وظایف آن نیز تقریباً یکی بود.

### ج) دیوان ایران در بد (درگاه)

واژه‌ی درب، نام یک پایگاه بلند دولتی بود. این شخص به سامان داشتن کارهای دربار شاهنشاهی و همچنین بر درست بودن آیین‌ها و سنت‌ها و کوشش در حفظ و رعایت آن‌ها دقت نظر داشته است. دیگر وظایف او شناختن و نگه‌داشتن پایگاه هرکس، به ویژه کارداران دولتی در هنگام برپایی انجمن‌ها و جشن‌های درباری، بوده است. کار بار دادن به پیشگاه شاه نیز از وظایف دیگر این شخص به‌شمار می‌رفته است.

در دوره‌ی سلجوقی دیوان ایران در بد به نام دیوان درگاه بود، و درگاه مقر و خانه‌ی سلطان و کاخ سلطنتی، و جایی بود که سلطان در آن اقامت می‌گزید و آن را مرکز حکومت خود قرار می‌داد. درگاه، دارای تشکیلات مفصلی بود و افراد مخصوصی در آن خدمت می‌کردند. اصطلاح درگاه به اعتبار استقرار سلطان در هر محلی، اعم از کاخ سلطنتی یا خیمه و خرگاه در منزل‌گاه‌های وسط راه، بدان محل اطلاق می‌شده است. در این دیوان نیز شباهت‌هایی وجود داشت که تأثیرپذیری آن را از ساسانیان نشان می‌داد (لمبتن، همان: ۳۲).

### د) دیوان سپاه

بیش‌ترین مخارج دولت ساسانی برای سپاه و لشکر بود. از آن‌جا که ارتش اساس قدرت ساسانی بود، توجه زیادی به دیوان سپاه می‌شد؛ چنان‌که انوشیروان دبیری بر دیوان لشکر گماشت و او را مأمور بازدید و بررسی سلاح‌های جنگی و تعیین میزان مقرری سپاه قرار داد (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

این شخص ظاهراً در سپاه دارای قدرت زیادی بود؛ چنان‌که انوشیروان دبیر سپاه را اختیار تام داد. او حتی مقرری انوشیروان را هنگام بازدید سپاه، که شاه خود نیز جزو سپاهیان

به حساب می‌آمد، به دلیل تکمیل نبودن سلاح‌ها و ابزارهای جنگی اش پرداخت نکرد (همان: ۱۰۲). وی وظیفه ثابت و پرداخت مخارج سپاه را بر عهده داشته است.

دیوان عرض در دوره سلجوقی متصدی امور سپاهیان بوده و مأخوذ است از «عرض الجند و عرض عین»؛ یعنی گذراندن یا گذر دادن سپاهیان را بر خود و نظر کردن در حال آنان؛ یعنی آنان را از پیش چشم بگذراند تا ببیند کی حاضر و کی غایب است؛ و از همین جاست که عرض کردن به معنای نشان دیدن یا رژه در فارسی است. به هر حال، تصدی حال سپاهیان، نگهداری سپاه و صورت اسامی آنان با تعیین درجات و جیره و مواجب، با سازمانی بوده که آن را دیوان عرض می‌نامیده‌اند که به اصطلاح امروز می‌توان آن را به وزارت جنگ تعبیر کرد. متصدی این دیوان را صاحب دیوان عرض یا عارض لشکر می‌نامیدند (نظام‌الملک، همان: ۳۴۴).

عارض لشکر که متقلد دیوان عرض الجیوش بوده، به کار ضبط وجوه و اموال مواجب لشکریان و جیره و علوفه‌ی ایشان و نگاه‌داشتن سپاهیان می‌پرداخته است. او نیز نایبی داشته که غالباً در اردوگاه‌های مهم مقیم بوده، و به اداره‌ی این دیوان؛ اما است. با وجود قدرت سپه‌سالاران و امرای لشکر، چندان نفوذ و قدرتی نداشته است (اقبال، همان: ۳۲).

تصدی حال سپاهیان، نگهداری سپاه و صورت اسامی آنان، همچنین تعیین درجات و جیره و مواجب، با این سازمان بود. عارض لشکر نیز به کار ضبط وجوه و اموال و مواجب لشکریان و جیره و علوفه‌ی ایشان و نگاه‌داشتن سپاهیان می‌پرداخته است (همان: ۳۲). این دیوان نیز تقلیدی از دیوان سالاری عهد ساسانی بود.

### ه) دیوان خراج (استیفاء)

دیوان خراج در پهلوی، که بعدها در زبان عربی به خراج تبدیل شد، مهم‌ترین دیوان دولت به حساب می‌آمد، که وظیفه‌ی تأمین قدرت اقتصادی دولت را از طریق اخذ مالیات بر عهده داشت. به دنبال اصلاحات انوشیروان، زمین‌ها را مساحی کردند و میزان مالیات را بر اساس مساحت زمین تعیین نمودند. ظاهراً کار مأموران این دیوان بعد از این اصلاحات آسان‌تر شد. دیوان خراج ایران و کشورهای تابع آن، در دوره‌ی خلفا به همان ترتیب و روشی که در عهد

ساسانیان بود حفظ شد و در تحت تصدی همان طبقه از دبیرانی که از سابق در این دیوان مشغول بودند، به کار خود ادامه داد (محمدی، ۱۳۵۶: ۸۶).

دیوان خراج در دوره سلجوقی با نام استیفاء نیز شناخته می‌شد، و ریاست این دیوان برعهده‌ی مستوفی بود. استیفاء در لغت به معنی «تمام گرفتن» و «طلب کردن» است. دیوان استیفاء، یعنی تشکیلاتی که متصدی امور مالی کشور و مأمور جمع‌آوری خراج بود، و بعد از دیوان وزارت، مهم‌ترین دیوان به شمار می‌رفته است، و ریاست این دیوان برعهده‌ی مستوفی کل مملکت بود، که از طرف خود به هر ولایت مأموری به نام «مستوفی نایب» می‌فرستاد که مأموریت داشت صورت دخل و خرج حوزه قلمرو خود را در ضبط آورد و نسخه‌ای از آن را به دیوان استیفاء بفرستد که بر دخل و خرج ایالت‌ها نیز نظارت داشت (اقبال، همان: ۲۹). دیوان خراج ایران عصر سلجوقی به همان ترتیب و روشی که در عهد ساسانی بود، حفظ شد و در تحت تصدی همان طبقه‌ی دبیرانی که از سابق در این دیوان مشغول بودند، به کار خود ادامه داد.

### مقایسه‌ی دبیران ساسانی با نقش و موقعیت دبیران عهد خواجه نظام الملک

در تقسیمات اجتماعی ساسانیان، دبیران در رتبه‌ی سوم قرار داشتند (مینوی، ۱۳۵۴: ۵۷). دبیران، طبقه‌ای نوخاسته بودند که در سایه‌ی تمرکز نظام اداری دوره‌ی ساسانی قدرت آن‌ها افزایش یافت. گستردگی نظام دیوانی ساسانیان تا آن حد رشد کرد، که اساس نظام و ترتیبات دیوان‌سالاری آن‌ها را، اعراب در سده‌های بعد نیز اقتباس نمودند. سابقه‌ی دیرینه‌ی پیدایش دیوان‌ها، از جمله دبیران را، به زمان گشتاسب نسبت می‌دهند (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۵).

دبیران در دوره‌ی ساسانی قدرتی فزاینده پیدا کردند و با رشد نظام اداری و دیوان‌سالاری در عهد ساسانی، احساس نیاز برای حفظ و گرداندن امور کشور به این طبقه بیش‌تر می‌شد. امور محاسبات دولتی، جمع‌آوری درآمد و هزینه‌ها، تنظیم اسناد و معاهدات سیاسی و فرامین با دیوان بود؛ همچنین، خدمات دبیرخانه، ارسال مراسلات نیز توسط دبیران انجام می‌گرفت (ماسه، ۱۳۶۶: ۱۹۹).

دبیران، دیوان‌های امور مالی را در دست داشتند و حتی برای دربار نیز دفتر و صورت مجلس تنظیم می‌کردند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۶۶۷).

دبیران، فرمان‌ها و نامه‌های خود را اغلب بر روی پوست می‌نوشتند؛ اما خسرو پرویز دستور داد از کاغذ رنگ شده با زعفران و معطر به بوی گل سرخ استفاده کنند (هوار، همان: ۱۵۴).

ارج هنر دبیری در نزد پادشاهان محترم و همچنین این مقام برای مردم بسیار بزرگ جلوه می‌نمود و برای افراد عادی امری محال تلقی می‌شد (بلعمی، ۱۳۴۱: ۸۹۶). در رأس طبقه‌ی دبیران شخصی به نام «ایران دبیر بد» یا «دبیران مهشت»، قرار داشت (مشکور، ۱۳۶۳: ۲۴۳). دبیران مهشت در رأس دبیرخانه‌ی شاهی بود و بر همه‌ی دبیران دربار ریاست تام داشت (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۴۸).

در میان دبیران، گاهی دانایان دین هم که در احکام دینی زبر دست بودند، «خود ایبوذ» نامی را ذکر کرده‌اند که از دبیران بوده است (نفیسی، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

در دربار ساسانی، یک نفر دبیر امور عرب بود که نقش مترجمی داشت و مزد و حقوق او را اعراب حیره به صورت جنسی پرداخت می‌کردند (مرادیان، ۱۳۵۵: ۳۴).

دبیران به عنوان مهرداد نیز به کار گرفته می‌شدند و امین و رازدار و بسیار مطمئن به حساب می‌آمدند (رضا، ۱۳۶۵: ۱۳-۱۴). شاهنشاه مهر مخصوصی برای تحکیم یا تأیید بخشش و واگذاری زمین و همچنین مهری مربوط به اشراف و بزرگان داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۳۰۴).

در بررسی موقعیت و جایگاه نظام دیوان‌سالاری عهد سلجوقی نیز می‌توان اذعان داشت که در زمان سلجوقیان مقام وزیر از اعتبار و اهمیت شایان توجهی برخوردار بود. آشنا نبودن سلجوقیان با رسوم ایرانیان موجب شد که وزرای نخستین سلاطین سلجوقی در تمام امور مملکتی نقش ایفا کنند.

در میان وزرای سلجوقی تنها نظام الملک به شیوه‌ی دیوان‌سالاری غزنوی آموزش دیده و تجربه اندوخته بود. نظام الملک به خدمت آلپ ارسلان در آمد، و بعد از کشته شدن آلپ ارسلان، به عنوان وزیر ملک‌شاه جوان، زمام امور امپراتوری سلجوقیان را به دست گرفت.

وزاری که بعد از نظام‌الملک روی کار آمدند، اغلب بدون کسب تجربه‌ی کافی در فن دبیری، به این مقام منصوب می‌شدند (ستارزاده، ۱۳۸۴: ۱۷۹). در کتاب *دست‌الوزراء* آمده است که خواجه از عمال دیوانیان سلجوقی بود و به‌وفور جود و سخاوت مروت شهرت تمام داشت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱/۸۵).

وزارت ملک‌شاه بعد از آل‌پارسلان همچنان با نظام‌الملک بود (ابن‌اثیر، ۱۳۵۱: ۱۷/۵۵). خواجه نظام‌الملک، به سبب خدمات فراوان و مؤثری که در زمان ملک‌شاه انجام داد، به اتابک ملقب گشت. این لقب گرچه در آن وقت دارای ارج و اهمیت بسیار بود، لکن، بعدها شایع شد و عمومیت یافت (براون، ۱۳۴۱: ۲۵۸).

نظام‌الملک معتقد بود که، هر فردی دارای شایستگی خاص خود است و بر ذمه‌ی حاکم می‌باشد که هر کس را در جایگاه خاص خود قرار بگیرد. او از شیاطین زمان می‌نالید و می‌گوید که نظام جهان به دست اتابکان و ترکان افتاده است (لمبتن، همان: ۲۴۲).

در زمان خواجه نظام‌الملک، نهاد وزارت به بالاترین درجه‌ی اهمیت خود رسید. نظام‌الملک دارای سیاستی استثنایی بود و به‌ویژه با به قدرت رسیدن ملک‌شاه، که جوانی بیست ساله بود، خواجه توانست همه‌ی امور کشوری و لشکری را در دست خود متمرکز نماید و بلاعارض بر شاهنشاهی پهنآوری که از زمان فروپاشی شاهنشاهی ساسانی در ایران زمین سابقه نداشت، فرمان‌روایی کند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۳۰).

با وزارت نظام‌الملک، ممالک ایران در عهد وی به غایت معمور و آباد شد و مدارس و مساجد بسیار برپا گشت (براون، همان: ۲۵۹).

دوره‌ی پادشاهی آل‌پارسلان و ملک‌شاه، اوج قدرت امپراتوری سلجوقی محسوب می‌شود، و شاید این اعتبار گسترده، از لحاظ اقتدار سیاسی، تا حد زیادی مرهون خدمات نظام‌الملک بوده باشد.

این دوره‌ی سی‌ساله را ابن‌اثیر به حق، «الدولة نظامیه»، و یا به عبارت دیگر، «عصر وزیر بزرگ نظام‌الملک»، نامیده است (ابن‌اثیر، ۱۳۵۱: ۵۵). دست‌آوردهای این دیوان‌سالار برجسته‌ی ایرانی را در این مدت، می‌توان تحت سه عنوان ذکر کرد: نخست، ایجاد سپاه منظم و ثابت که هم اعضای سرکش سلجوقی را سرکوب می‌کرد و هم پاسخ‌گوی انگیزه‌ی

توسعه‌طلبی سلاطین سلجوقی به شمار می‌رفت. دوم، سازمان‌دهی دیوان‌سالاری‌ای که در سنت اداری ایرانی - اسلامی به بهترین وجه به‌کار گرفته شد؛ و دیگر، حمایت از فقه شافعی و ترویج آن در مناطق مختلف و همچنین، ایجاد نهادهای آموزشی، همچون نظامیه‌ها. نظام‌الملک داشتن سپاه حرفه‌ای را لازمهٔ یکپارچگی و ثبات امپراتوری تحت رهبری سلطان می‌دانست. امپراتوری سلجوقی، بیش‌ترین گسترش را در دوره‌ی آلپ ارسلان و به‌ویژه ملک‌شاه شاهد بود (ستارزاده، همان: ۷۸).

نظام‌الملک نه تنها وزیر ملک‌شاه، بلکه عالمی اندیشمند و وزیری برجسته در فرهنگ اسلامی ایران بود. در تاریخ وزارت کم‌تر کسی را با درایت او می‌توان یافت. قدرت نظام‌الملک در دوره‌ی ملک‌شاه به اوج خود رسید. نهاد وزارت که از عهد عباسیان باب شد، در اصل برگرفته از فرهنگ سیاسی ایرانی بود. به تدریج وزیران قدرت بیش‌تری یافتند. از آن‌جا که کار وزیر تدبیر بسیاری از امور بود، ضرورت داشت تا وی از طبقه‌ی فرهیخته و دبیران انتخاب گردد.

نظام‌الملک، در واقع اتابک ملک‌شاه و به معنای سرپرست بود. به همین سبب، سلطان، خواجه نظام‌الملک را غالباً پدر خطاب می‌کرد. نظام‌الملک، سیاست دولت را از طریق دیوان وزیر، که مرکز اجرایی دولت بود و ریاست آن‌را خود بر عهده داشت، اداره می‌کرد. نظام‌الملک، برای اداره‌ی بهتر امور نظام دیوان‌سالاری، بسیاری از خویشاوندان خود را عهده‌دار امور ساخته بود (جعفریان، ۱۳۷۷: ۲۷۲).

نظام‌الملک، از روابط میان غلامان و دیوان‌ها بسیار نگران بود و بیم آن داشت که مبدا دربار در ساز و کار دستگاه اداری مداخله کند (بویل، همان: ۷۴).

### نگرش ماوردی و غزالی دربارهٔ اهمیت نقش وزیر

غزالی، وجود وزیری شایسته، با کفایت و عادل را برای سلطان لازم دانسته و هوشیاری، دانش، دلیری، راستی و مراقبت از رازهای شاه را از خصوصیات وی شمرده است (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۸۰). او وزیر پیر و دنیا دیده را بر وزیر جوان و خردمند ارجح می‌داند. به نظر او، وزیر کسی است که با نصیحت می‌تواند خوی زشت شاه را به خوی نیکو مبدل سازد، و در هنگام درشتی شاه، می‌بایست صبر پیشه گیرد و خدمات خود را به رخ شاه نکشد. غزالی، به

رفتار وزیر نسبت به رعایا نیز نظر دارد و به او توصیه می‌کند که «دل رعیت و حشم را به بخشیدن و حاجت روا کردن خوش دارد و جاه و منزلت و کفایت و شایستگی خویش اندر مصلحت رعیت بندد» (همان‌جا).

غزالی خود در ذکر موقعیت وزیران و نیز حدیث برامکه، اظهار می‌دارد که در عصر سلجوقیان وزارت از آن نظام‌الملک شد. در باب موقعیت وی می‌نویسد: «تا ایزد تبارک و تعالی به فر دولت سلجوقیان آن نظام‌الملک را در وجود آورد و بدان عمل و پایگاه باز ببرد که وزیران پیشین بودند و نیز زیادت‌تر، چنان‌که در دنیا هیچ کس از خداوندان فضل و غربا و شریف و وضع از احسان و انعام ایشان محروم نیست» (همان: ۱۸۴).

وی مرتب در باب وزیران به بزرگمهر و نیز روایت‌هایی از پادشاهان ایران باستان اشاره دارد که اهمیت نوشته‌های وی و نیز اقتباس از پندنامه‌های عصر ساسانی را نشان می‌دهد (همان، ۸۵).

به نظر ماوردی نیز، وزرا کسانی هستند که ولایتی عام در همه اعمال دارند و در همه‌ی اختیارات بدون هیچ استثنایی نایب امام هستند. ماوردی، با تمهید دو گونه از وزارت می‌کوشد «تا صاحب‌منصبان و دیگر قدرتمندان را که در عمل خلیفه را نادیده می‌گرفتند، در چارچوب حکومت اسلامی نگه دارد» (ماوردی، ۱۳۸۳: ۵۰). وی همچنین، در توضیح بیش‌تر وزرات تفویض، می‌نویسد: «وزارت تفویض آن است که امام کسی را وزیر خویش گیرد که کارها را به طور کامل به او واگذارد تا در آنها بر پایه‌ی رأی خویش تدبیر کند و بر پایه‌ی اجتهاد خود عمل کند» (همان: ۵۱). وزیر تفویض، علاوه بر شرایط امام - به‌جز نسب قریشی - «به‌ویژگی دیگری هم نیاز دارد و آن این که در کار جنگ و خراج که به او واگذار شده است از کفایت برخوردار باشد» (لمبتن، همان: ۱۱۲). وزیر تفویض همانند امام می‌تواند اموری چون گماردن حکم‌ران، رسیدگی به مظالم، فرمان‌دهی جهاد و سپردن اجرای کارها به دیگران را برعهده بگیرد. وی صلاحیت تعیین ولی‌عهد را ندارد و با ذکر چند اختلاف دیگر، ماوردی سعی می‌کند تا وزیر تفویض موقعیتی برابر با امام پیدا نکند، تا مانند برخی از مقاطع تاریخ که وزرا بر خلیفه تسلط پیدا کردند، مجدداً تکرار نگردد.



وزارت تفیذ نسبت به وزارت تفویض از قدرت و شرایط کم‌تری برخوردار است؛ «چراکه در این نوع وزارت اعمال ولایت تنها بسته به رأی و تدبیر امام امکان پذیر است و چنین وزیر واسطه‌ی میان امام رعیت و کارگزاران حکومت است که فرمان امام را ابلاغ می‌کند» (ماوردی، همان: ۵۴). امانت‌داری، راست‌گویی، برکناری از آزمندی، حافظه‌ی خوب، تیزهوشی و پاک‌دامنی، از ویژگی‌های این منصب می‌باشد و همچون وزیر تفویض، زنان نمی‌توانند عهده‌دار این منصب باشند. اما، برخلاف وزیر تفویض، اهل ذمه می‌توانند بر این منصب تکیه زنند. حدود اختیاراتی که غزالی و ماوردی بر اساس شناخت از ساختار حکومتی عصر خویش ارائه می‌کنند، نشان می‌دهد که وزیر دارای حدود و اختیاراتی بوده است که در عصر ساسانی وزراء عهده دار آن بوده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که، دوره‌ی سلجوقیان یکی از ادوار طولانی تاریخ جهان اسلام بوده است که دارای ویژگی‌های گوناگون تاریخی است. عصر سلجوقیان دارای تکوین و تکامل دیوان‌سالاری عریض و طویلی است با ریشه‌های عمیق تاریخی که سنت آن، خصوصاً با ایرانیان مسلمانان این دوره، پیوند خورده است. ایرانیان مسلمانان این عصر در مقابل ترکان سلجوقی که نماینده‌ی جناح لشکری امپراتوری بودند، نماینده‌ی جناح کشوری و سازمان‌ده امور مختلف مملکتی به‌شمار می‌رفتند.

دیوان‌سالاری سلجوقی در دست عنصر ایرانی بود که از سنت‌های دیوانی آشنایی کامل داشت و راهنمای این نهاد گسترده در خلال قرون بود.

تشکیلات دیوانی که در رابطه با سنت‌های دیوانی ساسانیان بود، در اختیار خلافت عباسی قرار گرفت و خلفا با استفاده از این تشکیلات دیوانی و عنصر ایرانی، قلمرو خود را اداره می‌کردند. سلجوقیان نیز به عنوان حکومتی که خود را تحت حمایت خلافت عباسی می‌دانست، از سنت‌های باستانی ایران، به ویژه دیوان‌سالاری ساسانی، نهایت استفاده را بردند و توانستند حکومتی مقتدر تشکیل دهد.

سلجوقیان، تشکیلات دولتی را بر اساس همان قالب‌های سابق عصر سامانی و غزنوی ایجاد کرده بودند که آن‌ها نیز این تشکیلات را از عهد ساسانی به ارث برده بودند.

به طور کلی، می‌توان گفت، دیوان‌سالاری ساسانی بعد از فرو پاشی امپراتوری ساسانی، همچنان توسط طبقه‌ی دبیران به کار خود ادامه داد و در دوره‌های بعد، مخصوصاً عهد سلجوقی، خود را نمایان ساخت و تأثیرات دیوان‌سالاری ساسانی را بر دیوان‌سالاری سلجوقی نشان داد. البته، نقش دبیران یا عنصر ایرانی، در این جابه‌جایی فرهنگی بسیار مهم بوده است.

### نتیجه‌گیری

در بررسی و مطالعه‌ی قلمرو دولت سلجوقیان و نیز ساختارهای اداری این حکومت، شباهت‌هایی با دوران ساسانی دیده می‌شود. سلجوقیان برای اداره‌ی سرزمین‌های وسیعی که تصرف کرده بودند، نیازمند وجود دیوان‌سالاری گسترده و متمرکزی بودند. دیوان‌سالاران ایرانی، چون عمیدالملک کندری و خواجه نظام‌الملک، در تثبیت موقعیت سیاسی و تمرکز نظام اداری سلجوقیان نقش مهمی ایفا کردند. تأثیرپذیری وزرای ایرانی و بالاخص خواجه نظام‌الملک، از اندیشه‌های ایران باستان و توجه وی به شیوه‌های مملکت‌داری بر مبنای آنچه در *سیاست‌نامه* نگاشته است، نشان می‌دهد که وی به عنوان وزیر بزرگ دولت سلجوقی، تلاش نمود برخی از ساختارهای اداری عصر ساسانی را برای حفظ و اداره‌ی بهتر سرزمین‌های وسیع حکومت سلجوقی، برقرار سازد. مقایسه‌ی برخی از تشکیلات اداری عصر ساسانی و جایگاه دیوان‌های مختلف آن، با دیوان‌های عصر سلجوقیان، وجود شباهت‌های بسیار را در قالب‌های مختلف و از جمله حدود اختیارات آن‌ها نمایان می‌سازد. سلاجقه با درک عظمت حکومت‌های ایران پیش از اسلام، تلاش کردند بسیاری از آموزه‌های سیاسی و اداری حاکم بر آن دوره را که خود موجب تداوم حاکمیت آن‌ها می‌گردید، در ساختارهای سیاسی و اداری آن برقرار سازند. از این میان، دولت ساسانی که تشکیلات اداری قوی و متمرکزی داشت، برای سلجوقیان الگوی مناصب اداری و سیاسی گردید. دیوان‌سالاران ایرانی عصر سلجوقی به سنت‌های دیوانی آشنایی کامل داشتند و برای اداره‌ی بهتر سرزمین‌های امپراتوری بزرگ سلجوقی از میراث کهن ایرانی بهره می‌گرفتند. در همین راستا، دوره‌ی سلجوقیان را، به سبب تأثیرپذیری از فرهنگ و سنت‌های باستانی ایران، می‌توان دوره‌ی بازگشت به عصر ساسانی محسوب کرد.

## کتابنامه

۱. ابن اثیر، عزالدین. [بی تا]، *تاریخ کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه‌ی علی هاشمی حائری، ج ۱۷، تهران، علمی.
۲. ابن بلخی. ۱۳۶۳، *فارسنامه*، به اهتمام گای لسترنج و رینولد آلن نیکسون، ج ۲، تهران، دنیای کتاب.
۳. ابن خلدون، محمد. ۱۳۸۳، *العبر*، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۴. اقبال، عباس. ۱۳۳۸، *وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و یحیی ذکاء، تهران، دانشگاه تهران.
۵. انوری، حسن. ۱۳۷۳، *اصطلاحات دیوانی در دوره غزنوی و سلجوقی*، تهران، سخن.
۶. براون، ادوارد. ۱۳۴۱، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه‌ی فتح الله مجتبائی، تهران، مروارید.
۷. بلعمی، ابوعلی محمد. ۱۳۴۱، *ترجمه‌ی تاریخ طبری*، به تصحیح ملک الشعراء بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، وزارت فرهنگ.
۸. بویل، جی. آ (گردآورنده). ۱۳۶۶، *تاریخ ایران (پژوهش کیمبریج) از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۵، تهران، امیر کبیر.
۹. بیهقی، ابوالفضل. ۱۳۵۰، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، تهران، ایرانمهر.
۱۰. پوپ، آرتورا پهام. ۱۳۸۲، *معماری ایران*، ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، تهران، اختران.
۱۱. پیگولوسکایا، ن. و. ۱۳۷۷، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی.

۱۲. جاماسب جی ( گراورنده ). [بی تا]، *متون پهلوی*، گزارش سعید عریان، تهران، انقلاب اسلامی.
۱۳. جعفریان، رسول. ۱۳۷۷، *تاریخ ایران اسلامی*، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی اندیشه معاصر.
۱۴. جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس. ۱۳۴۸، *کتاب الوزراء و الكتاب*، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، [بی جا]، [بی نا].
۱۵. خواند میر، غیاث‌الدین همادالدین. ۱۳۷۲، *دستورالوزراء*، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، اقبال.
۱۶. خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد. ۱۳۴۷، *مفاتیح العلوم*، ترجمه‌ی حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود. ۱۳۶۸، *اخبار الطوال*، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی.
۱۸. رضا، عنایت الله . ۱۳۶۵، *ایران و ترکان در روزگار ساسانیان* ، تهران ، علمی.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۷، *روزگاران ایران*، تهران، سخن.
۲۰. ستارزاده، ملیحه. ۱۳۸۴، *سلجوقیان*، تهران ، سمت.
۲۱. شوشتری، محمد علی. ۱۳۴۲، *تاریخ شهریاری در شاهنشاهی ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
۲۲. صادقی، سمرجانی. ۱۳۸۳، *مجموعه مقالات تاریخی*، نیشابور، ابرشهر.
۲۳. طباطبایی، جواد. ۱۳۷۵، *خواججه نظام الملک*، تهران، طرح نو.

۲۴. طبری، محمد بن جریر. *تاریخ طبری*، ۱۳۶۹، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج ۱۳، تهران، اساطیر.
۲۵. عنصر المعالی، کیکاووس بن اسکندر. ۱۳۳۹، *قابوسنامه*، تصحیح امین عبد المجید بدوی، تهران، ابن سینا.
۲۶. عوفی، سدید الدین محمد. ۱۳۶۲، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح امیر بانو مصفا، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۷. غزالی، محمد. ۱۳۵۱، *نصیحة الملوک*، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۸. کریستن سن، آرتور امانوئل. ۱۳۸۴، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ج ۴، تهران، صدای معاصر.
۲۹. کلوزنر، کارلا. ۱۳۶۳، *دیوانسالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)*، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر.
۳۰. گیرشمن، رمن. ۱۳۷۲، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه‌ی محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۱. لمبتن، آن. ۱۳۸۵، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۴، *دولت و حکومت در اسلام*، ترجمه‌ی سید عباسی صالحی، تهران، عروج.
۳۳. ماسه، هانری. ۱۳۶۶، *تاریخ تمدن ایران*، جواد محیی، تهران، گوتمبرگ.
۳۴. ماوردی، علی بن محمد. ۱۳۸۳، *آیین حکمرانی*، ترجمه‌ی حسین صابری، تهران، علمی و فرهنگی.

۳۵. محمدی، محمد. ۱۳۵۶، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. مرادیان، خدامراد. ۱۳۵۵، *کشور حیره در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان*، تهران، بنیاد نیکوکاری.
۳۷. مشکور، محمدجواد. ۱۳۶۳، *ایران در عهد باستان*، تهران، اشراقی.
۳۸. مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۷۴، *مروج الذهب*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۹. مینوی، مجتبی (مصحح). ۱۳۵۴، *نامه‌ی تنسر به گشنسب*، تهران، خوارزمی.
۴۰. نظام الملک طوسی، ابو علی حسن. ۱۳۵۵، *سیر الملوک (سیاستنامه)*، به اهتمام هیوبرت دارک، زیر نظر احسان یار شاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۱. نفیسی، سعید. ۱۳۸۴، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، ج ۲، تهران، اساطیر.
۴۲. نولدکه، تئودور. ۱۳۵۸، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی عباس زریاب خوئی، تهران، انجمن آثار ملی.
۴۳. هوار، کلمان. ۱۳۷۹، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. ۱۳۷۱، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی.
۴۵. نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی. ۱۳۷۲، *چهارمقاله*، تصحیح علامه قزوینی، شرح لغات توسط محمد معین، تهران، دیبا.